

در کتب کبری همی دایغ بخل است
کلیانک زمانه چن مری کوی است

دیده نظر خدای بیست
عالم همه روی بر زمین است
اعیان رسل قرصه چینیست
چون بر تو خدای آفرین است
جای چه سزای آفرین است
باز آگو یکی زان همه نشسته بجای
ای غنچه خندان بکشایند بقیست
جای نین بر درو بام سزایست
چون دست رسم نیست که کویا
هر جا کروی روی نشانی ز قنایست
یارت چه بلای تو که چو بر بدایت
زان سان ککل از خا در درو بجای
کله ای جفا میدمد از خا جفا نیست
جان میدیم بهر چینی بر بدایت
پروای میوه و ذوق تا شای او کجاست
بهر کوی یکی هزار بوین نار کجاست
بر مالم کین کند از جبهه بیست
لعلت بخنده کنت کربا این چه کجاست
کر من چه لاله بر این دانهما بر است
تا بد فروختت رخ آن شمع دلنوز
در

دیده نظر خدای بیست
عالم همه روی بر زمین است
اعیان رسل قرصه چینیست
چون بر تو خدای آفرین است
جای چه سزای آفرین است
باز آگو یکی زان همه نشسته بجای
ای غنچه خندان بکشایند بقیست
جای نین بر درو بام سزایست
چون دست رسم نیست که کویا
هر جا کروی روی نشانی ز قنایست
یارت چه بلای تو که چو بر بدایت
زان سان ککل از خا در درو بجای
کله ای جفا میدمد از خا جفا نیست
جان میدیم بهر چینی بر بدایت
پروای میوه و ذوق تا شای او کجاست
بهر کوی یکی هزار بوین نار کجاست
بر مالم کین کند از جبهه بیست
لعلت بخنده کنت کربا این چه کجاست
کر من چه لاله بر این دانهما بر است
تا بد فروختت رخ آن شمع دلنوز
در